عبارات ذوی البرکات این کتب معلوم گشت که عالم با عمل را فقیه
خوانند و کامل دانند و عالم بی عمل را عالم خوانند ولیکن ناقص دانند بل
در احادیث معتبره او دزد دین و قطاع الطریق و دشمن خدا نامیده پس
بعضی از علمای روزگار را تحریر آدم ناحق از باطل ممتاز گردد و از انجمله آنست
که محمد گجراتی ساکن اطراف نوگجرات مرد فقیه فاضل عالم کامل عارف
ربانی و مکتب اعمال آنجهانی است دیگی از خلفا فضلا حضرت شیخنا
قدس الله سره و عظم بره اوصاف حمیده او فوق الحد و البیان است ؛
ازان جمله آنست که میان ابابکر دانشمند بهاری از علما اتقیا و فقهاء
اصفیا بوده در ادای امر معروف و نهی منکر چنان مستحکم بود و مبرم که در هیچ
مکان و در هیچ اوان رعایت خاطر مهتر و کهتران دنیا نمودے حتی که سید
خان ککر حاکم مملکت او بوده هر چند بانواع انعام و اکرام بزیارت حضرت
ایشان پیش آمدی او را کافر خطاب فرمودے زیرا که سید خان زنان حرائر
بیشتر از چهار زن در تحت تصرف ملک نکاح خویش در آورده بود و این
معنی در شریعت محمدی حرام میباشد و در کتب فقه مشهور است
هر که زن محرمه را در تحت خود نگهدارد کافر است چه مداومت نمودن بر
حرام بلا استحلال نمے باشد و استحلال حرام کفر است روزی از روزها
حضرت ایشانرا گذر بر بیلوت افتاده بود و چون بزیر سایه درختی نشسته
سادات آن موضع را از قدوم شریف او خبر رسیده میان عبد الرحمن معه
جماعة سادات استقبال نموده بقصد زیارت در رسیدند اما حضرت ایشان
از دور ممانعت نموده و بشرف مصافحه و معانقه بدیگر نگذاشته و رخصت
نداده و چون از اظهار تقصیرات و خطیات خویش که موجب عدم صحبت
با دولت همگنان باشد پرسیده گفت ظاهرترین تقصیرات آنکه حدود
ازار از آستین را مرعی نداشته اند نگرانند وعید این معامله با خبر نمے
باشید که این معنا موجب محرومی از نظر رحمت باری تعالی باشد تا بعد
اذان حضرت ایشان بدست عهود رعدی معلوم بدیده بعده مصافحت

ف ازانجمله آنست

ف روزی از روزها